

خط تلگراف خوزستان^۱

پروین دخت جهان کهن^۲

چکیده

از حمله دیگر دول استعمارگر به هندوستان - مستعمره پرارزش آن کشور- بازی کند. از جمله این کشورهای حوزه خلیج فارس میتوان به ایران اشاره کرد که انگلستان در دوره قاجاریه در این کشور اقدام به گرفتن امتیازهای متعددی کرد که یکی از این امتیازات، امتیاز احداث تلگراف در بسیاری از ولایات ایران همچون خوزستان بود و از این امتیاز هم دولت بریتانیا و هم دولت و جامعه ایران سود بردند.

کلیدواژگان

خلیج فارس؛ خوزستان (عربستان)؛ تلگراف؛ انگلیس؛ ایران

مقدمه

سلطان محمد فاتح در سال ۱۴۵۳ م. نیمه دوم قرن نهم هجری، امپراتوری روم شرقی را منقرض ساخت و دولت عثمانی به توسعه قدرت خود در شرق اروپا ادامه داد. پس از پایان قرون وسطی و آغاز دوران تحول در عرصه‌های علوم و فنون که در تاریخ به دوره رنسانس مشهور است، دولتهای استعمارگر پرتغال، اسپانیا و پس از آن انگلیس در غرب اروپا قدرت یافتند (جلالی، ۱۳۷۹: ۹).

پرتغال اولین دولتی بود که به خلیج فارس روی آورد تا کنترل راههای دریایی منتهی به اقیانوس هند را برای منابع ثروت آن به چنگ آورد. آلبوکرک در سال ۹۱۳ م. ۸۸۶ ه. ق با کشتی جنگی خود وارد خلیج فارس شد و جزیره هرمز را

با فتح قسطنطنیه در سال ۱۴۵۳ م. نهم هجری و پایان قرون وسطی و آغاز رنسانس دولتهای استعمارگری چون پرتغال، هلند، فرانسه و انگلیس در غرب اروپا قدرت یافتند. پرتغال اولین دولتی بود که به خلیج فارس روی آورد تا کنترل راههای دریایی منتهی به اقیانوس هند و ثروت ناشی از تجارت آن را بچنگ آورد. از سوی دیگر، دولت انگلیس در اواخر قرن شانزدهم میلادی / دهم هجری برای عقب نماندن از قافله تجار دول اروپایی بدنبال دسترسی به ثروت مشرق زمین دست به اقداماتی زد و کمپانی هند شرقی را تأسیس نمود. اما این کمپانی نه تنها به فعالیت تجاری در هندوستان اکتفا نکرد، بلکه چشم به کشورهای حوزه خلیج فارس دوخت که دارایی و ثروت سرشار و بازار مناسبی برای فروش کالاهای انگلیسی بود و میتوانست نقش یک ضربه گیر را در جلوگیری

۱. افزون بر توضیح کوتاه نویسنده در ص ۳۳ فصلنامه مطالعات خلیج فارس شرح زیر را باید ضروری دانست: با مهاجرت عربهای عراق به نواحی غرب رود کرخه از قرن نهم هجری به بعد، به مرور خوزستان به دو ناحیه ایرانی و عرب‌نشین تقسیم شد. برای مشخص شدن حدود جغرافیایی هر یک به آن قسمت که اعراب میزیستند عربستان و به مابقی خوزستان گفته شد. در واقع ایالت باستانی خوزستان از آن پس با این دو نام شناخته میشد. در تاریخی که نوشتار حاضر به آن پرداخته، نواحی مورد بررسی در اسناد رسمی حکومتی و روزنامه‌ها و افواه عمومی به عربستان شهرت داشت. در حالی که این نام در واقع به بخشی از همان ایالت باستانی خوزستان گفته شده که از دیرباز یکی از سرزمینهای مهم و اصلی هخامنشیان و ایران بشمار میرفت. در زمان رضاشاه دوباره کل منطقه بنام استان «خوزستان» نامیده شد. بنابراین اگر در بخشهایی از این نوشتار از عنوان عربستان استفاده شده، مقصود نواحی جنوبی استان خوزستان فعلی است. امروزه همچون دیرباز اعراب ساکن خوزستان به عربهای ایران معروف هستند مانند بلوچها، لرها، آذریها و ... (برای آگاهی بیشتر ر.ک: کسروی، ۱۳۸۱).

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه شیراز؛

نزدیک بین لندن و هندوستان را ایجاد میکرد، ولی پس از بررسی طرحهایی چند برای برقراری این ارتباط نزدیک، خط تلگراف بهترین طرح شناخته شد؛ زیرا رفت و برگشت اخبار و اطلاعات را در کمترین زمان بین لندن و هندوستان میسر میساخت و ایران بهترین و کم‌هزینه‌ترین مسیری بود که میتوانست از طریق آن خط تلگرافی از لندن به هندوستان کشیده شود. بنابراین کارگزاران دولت بریتانیا با تلاشهای خود توانستند امتیاز خط تلگراف از خانقین به کراچی را از طریق تهران، اصفهان، شیراز و بوشهر از دولتمردان ایران بگیرند و بعد از مدتی در تکمیل این خط تلگرافی عمده، امتیازات خط تلگرافی سایر ایالات ایران همچون خوزستان و بلوچستان... را نیز بدست آوردند که از این طرق هم ایران و هم امپراتوری بریتانیا از این خطوط تلگرافی فوایدی عایدشان میشد.

تلگراف در ایران

هندوستان که در استواری و پایداری عظمت و قدرت امپراتوری انگلستان سده نوزدهم میلادی نقشی بس بزرگ و حیاتی داشت، وجود ارتباط نزدیک و مستقیمی را بین آنجا و جزایر بریتانیای کبیر ایجاد میکرد و لازم بود به هر نحو و کیفیت که هست این ارتباط برقرار باشد. برای رسیدن به این مقصود، طرحهای گوناگونی پیش‌بینی و بررسی شده بود که احداث راه‌آهن بین دریای مدیترانه و خلیج فارس و همچنین ایجاد خطوط کشتیرانی بر روی فرات و کارون و ارتباط دریای مدیترانه و دریای سرخ را از جمله این طرحها میتوان نام برد (قائم‌مقامی، ۱۳۵۱: ۱).

اما دایر شدن این راهها مستلزم صرف هزینه‌های گزاف بود و بعلاوه، اگر هم این راهها دایر میشد، باز ارتباط سریع و مطمئنی را تأمین نمیکرد و به همین سبب استقبال خوبی از آنها نشد (ویلسون، ۱۳۴۸: ۲۲۸-۲۳۰).

جنگ روسیه و عثمانی در سال ۱۲۷۰ ه.ق بار دیگر قضیه شرق را مورد توجه ممالک ساخت و سرانجام دولتهای فرانسه، انگلیس و پیه‌مون بر علیه دولت روس وارد جنگ شدند و در این نبرد معلوم شد که دولت انگلستان نیاز مفرطی به رابطه تلگرافی به هندوستان دارد (پژمان، بی تا: ۳۷۱).

که در مدخل خلیج فارس واقع شده و از نظر پایگاه نظامی و تجاری بسیار مهم بود، مورد حمله قرار داد و آن ناحیه را به تصرف درآورد (یغمایی، ۱۳۵۲: ۲۱). از سوی دیگر، دولت انگلیس در اواخر قرن شانزدهم میلادی / دهم هجری برای عقب نماندن از قافله تجار دولتهای اروپایی بدنبال دسترسی به ثروت مشرق زمین به اقداماتی دست زد و کمپانی هند شرقی را به فرمان ملکه الیزابت اول تأسیس نمود (ترنزیو، ۱۳۵۹: ۱۱). اما این کمپانی نه تنها به فعالیت تجاری در هندوستان اکتفا نکرد، بلکه چشم به کشورهای حوزه خلیج فارس دوخت که ثروت زیادی داشته و برای فروش کالاهای انگلیسی بازار مناسبی بودند؛ از جمله این کشورها ایران را میتوان نام برد.

گرچه روابط ایران و انگلیس قبل از پادشاهی شاه عباس اول و از زمان شاه طهماسب آغاز شده بود، اما از دوران شاه عباس اول ارتباطات ایران و انگلیس از لحاظ سیاسی و اقتصادی در چارچوب مقررات و قرارداد درآمد و بدنبال تأسیس سلسله قاجاریه مهمترین فصل روابط ایران و انگلیس شروع شد. این فصل از تاریخ ایران مقارن با رقابتهای استعماری کشورهای فرانسه، انگلیس و روسیه با یکدیگر بود و در واقع ایران بصورت ناخواسته‌یی به مرکز برخورد سیاست قدرتمندان روزگار تبدیل شد و در دریای متلاطمی افتاد که بیرون آمدن از آن سخت مشکل بود.

دوران سلطنت فتحعلیشاه قاجار از دوران پرفراز و نشیب کشور ایران بود. مقارن با همین دوران بود که ایران در برابر تجاوزات روس بی‌پناه ماند و ناگزیر برای حفظ موجودیت خود به دامن انگلیس پناه برد؛ اقدامی که منجر به قراردادهای گلستان و ترکمنچای شد. بعد از عقد قرارداد ترکمنچای بود که انگلیسیها به بسط نفوذ خویش و گرفتن امتیازات متعدد از زمامداران ناآگاه قاجار پرداختند؛ از جمله میتوان به واگذاری امتیاز استخراج نفت در قرن نوزدهم به م.ا. هوتز انگلیسی و سپس واگذاری امتیاز استخراج کلیه معادن ایران، ایجاد راه آهن سراسری، ایجاد تلگراف و گمرک و بطور کلی امتیاز ثروت ایران به بارون جولیبوس دورویتر... اشاره کرد (ذوقی، ۱۳۷۰: ۳۶-۵۰). هندوستان که نقش مهمی در قدرت و عظمت امپراتوری بریتانیا داشت، ضرورت وجود ارتباط

بعد از سه هفته کار قطع شد و شرکتهای اروپایی بسبب هزینه گزافی که برای نگهداری آن لازم بود دیگر حاضر به همکاری نبودند (سایکس، ۱۳۸۰: ۵۲۷ - ۵۲۸/۱).

در این تاریخ یک خط تلگرافی دیگر از اروپا تا بغداد کشیده شده بود که از استامبول میگذشت و چنانکه این خط از بغداد به بصره و بندر فاو واقع در کرانه خلیج فارس امتداد می‌یافت و از آنجا با سیم دریایی به سیم دریایی به کراچی میرسید، ارتباط بین انگلیس و هندوستان برقرار میگردد (ویلسون، ۱۳۴۸: ۲۳۱). بدین ترتیب، خط تلگرافی بین انگلیس و هندوستان از راه کاله، پاریس، استراسبورگ، مونیخ، وین و استامبول و از آنجا از راه اسکوداری، سیواس، دیار بکر، بغداد، بصره و بندر فاو، به بوشهر، جاسک و کراچی میرسید و طول آن ۵۱۳۰ میل (۸۲۱۳ کیلومتر) بود (محمود، بی‌تا: ۱/۷۸۷). اما مشکل این بود که برای ارتباط بین بغداد و بصره، خط تلگراف بایستی از منطقه اعراب بنی‌منفق (منتفک) که از طوایف سرکش و متمرد عثمانی بودند، میگذشت و این موضوع دشواریهای فراوانی دربرداشت. به این سبب خط بغداد، خانقین، کرمانشاه، تهران، اصفهان، شیراز و بوشهر در نظر گرفته شد که از بوشهر به بعد با سیم دریایی به کراچی اتصال می‌یافت (صنیع‌الدوله، ۱۳۴۶: ۲/۲۵۶).

مأموریت ادوارد استویک در ایران و گرفتن امتیاز تلگراف
ادوارد استویک، سفیر مختار انگلیس در ایران بود که سیاست سفیر قبلی - سرهنری راولینسون - را در ایران تعقیب میکرد؛ یعنی سیاست تحبیب را با درباریان ایران و حتی با خود شاه در پیش گرفت و در این سیاست مهارت خاصی از خود نشان داد و جلب توجه نمود. وی در برخورد و صحبت با رجال درباری، بسیار با نزاکت و مؤدب بود، نظریات و دلایل طرف مقابل را تصدیق میکرد و در این تصدیق، طرف را مفتون خود میساخت و او را تسخیر مینمود و بعد عقیده خود را به وی تحمیل میکرد. رفتار او با درباریان ایران چنان بود که همه آنها را به دوستی و یگانگی با خود جلب میکرد (محمود، بی‌تا: ۲/۷۵۴).

استویک در سال ۱۸۶۲ م. به دیدار وزیر امور خارجه میرزا سعیدخان و امین‌الدوله رفت. او میگوید: هر دوی اینها

در سال ۱۲۵۳ ه. ق. دولت ایران به انکاء عهدنامه ۱۲۲۹ ه. ق. ایران و انگلیس - بخصوص اعتماد به رعایت مواد هشتم و نهم آن عهدنامه - بر آن شد که استرداد دروازه تجارت خود یعنی شهر هرات را از افغانستان مطالبه نماید، ولی این افغانها با پشتیبانی سیاست انگلستان حاضر به این امر نشد. بعدها در ۱۲۷۲ ه. ق. سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه مأمور استخلاص آنجا گردید و شهر هرات را در ۱۲۷۳ ه. ق. مسخر نمود و در مقابل، دولت انگلستان به ایران اعلام جنگ داد. جنگ چندروزه ایران و انگلیس احتیاج آن دولت را به رابطه مستقیم با هندوستان بیشتر نمودار ساخت (همان: ۳۷۲)؛ چنانکه لرد کرزن میگوید: از تجربه این جنگ معلوم شد که لازم است میان انگلیس و هند روابط استخباری بهتری موجود باشد، به همین جهت در ۱۸۶۴ م. در ایران تلگراف دائر شد (کرزن، ۱۳۵۰: ۷۸).

جنگ ایران و انگلیس به صلح و جدایی افغانستان از ایران انجامید و بلافاصله شورش هند آغاز شد (براون، ۲۵۳۶: ۴/۱۹۹). بلوای مهیب هندوستان بار دیگر نیازمندی انگلستان را به رابطه با هندوستان خاطر نشان ساخت. لرد کرزن در اینباره مینویسد: «هنگام انقلاب هندوستان احتیاج به رابطه سریع میان هند و انگلیس بصورتی مؤثر نمودار شد، زیرا که در این تاریخ سه ماه طول میکشید تا خبری از هندوستان به لندن رفته و پاسخ آن به هندوستان برسد» (محمود، بی‌تا: ۱/۷۸۶).

دولت انگلیس بر اثر گرفتاریهایی که در حوادث سه‌گانه فوق پیدا کرد بخوبی دریافت که ادامه فرمانروایی بر هندوستان و بهرمندی از منابع سرشار آن در صورتی میسر است که آن دولت رابطه مستمر و مستقیم با مستعمره گوهرزای خود داشته باشد. چنین رابطه‌یی جز از طریق تلگراف برقی میسر نمیشد. بنابراین، به فکر افتاد با خطوط تلگرافی که چندسالی از اختراع آن میگذشت و در برخی از کشورهای اروپایی و آسیایی نیز رواج داشت، بریتانیا را به هندوستان مرتبط سازد. به این قصد ابتدا در نظر گرفته شد خطی از راه دریای سرخ به هندوستان امتداد یابد (محمود، بی‌تا: ۱/۷۸۷)، ولی این خط

۱. ادوارد براون مینویسد: ختم این جنگ برای انگلیس خیلی بموقع بود، زیرا مقارن وقت مبادله عهدنامه‌ها شورش هندوستان شروع شد (براون، ۲۵۳۶: ۴/۱۹۹).

خیلی صحبت شده تا به اینجا رسیده است. فعلاً هم محتاج به یک تصمیم است و کسی نمیتواند این تصمیم را بگیرد جز شخص اعلیحضرت شاه. در این موقع شاه خندید و گفت: خود من تمام خواهم کرد و در عصر همان روز به صحنه شاه رسید و برای من فرستاده شد و موضوعی که مدتها در مذاکره بود و تمام نمیشد، بالأخره خاتمه پیدا کرد (همان: ۷۷۸).

اولین قرارداد تلگراف خط انگلیس به هندوستان

بعد از اینکه استویک موافقت شاه قاجار را بدست آورد، زمان مناسب فرارسیده بود که انگلیسیها در مورد خطوط تلگرافی که باید از داخل ایران میگذشت و انگلیس و هندوستان را بهم مرتبط میساخت، رسماً با دولت ایران وارد مذاکره شوند.

قراردادی در تاریخ ۲۴ جمادی الثانی ۱۲۷۹ ه.ق / ۱۷ دسامبر ۱۸۶۲ م. به مساعی و تلاش استویک، نماینده انگلیس در ایران، بین ایران و انگلیس بسته شد که بموجب آن، دولت ایران پذیرفت و لازم دانست از خانقین به تهران و از تهران به بندر بوشهر از راه اصفهان - شیراز یک رشته سیم تلگرافی «بلا تأخیر» کشیده شود و «هر وقت دولت انگلیس لازم داشته باشد، مجاز باشد که توسط صاحب‌منصبان تلگرافخانه ایرانی و به هر نحو که صلاح داند با سیم مزبور مخابره نماید و قیمت آن را به میزانی که بعدها معین میشود ادا کنند» (صنیع‌الدوله، ۱۳۶۷: ۳/۲۳).

بموجب فصل دوم هزینه ساختمان این خط و خرید اسباب آن بعهده دولت ایران بود و فصل سوم، دولت ایران را ملزم میکرد که وسایل و لوازم ساختمان خط تلگراف را که از اروپا باید آورده میشد، منحصراً از دولت انگلستان خریداری کند و قیمت ملزوماتی که خریداری میشد، بموجب فصل ششم در ظرف پنج سال به دولت انگلیس پرداخت گردد. باستناد فصل چهارم، بمحض اینکه خط مزبور خوب ساخته شده و بطور صحیح کار کند، دولت ایران قبول میکرد نظارت آن را به یک مهندس انگلیسی واگذار نماید و این مهندس انگلیسی بموجب فصل پنجم «اختیارات تامه داشت که هر نوع آلات و ادوات برای این کار لازم داند از کارگزاران ایران مطالبه کند» و دولت

با نهایت درجه نسبت به من مهربان بودند و روز دیگر وزیر امور خارجه به دیدن من آمد، من فرصت پیدا کرده و موضوع کشیدن سیم تلگراف را پیش کشیدم و نظریات خود را در این باب شرح دادم و خیلی به این مسئله اهمیت دادم و گفتم بهتر است که کشیدن آن بدست صاحب‌منصبان انگلیسی صورت بگیرد. میرزا سعیدخان با نظر من موافقت نمود و با یک طرز مؤدبانه‌یی که ذات هر ایرانی است، اظهار کرد که این مسئله را به عرض شاه خواهد رساند. من میدانستم که معنی این عبارت چیست؛ پیدا بود که مثل زمانهای گذشته به طفره خواهد گذشت و اگر قبول کنند میخواهند با دست خود ایرانیان اداره شود، آن وقت وضع آن به حال سیستم تلگراف طهران و تبریز خواهد افتد که گاهی در کار است و گاهی از کار می‌افتد و مخابرات تعطیل میشود. در ۱۵ دسامبر ۱۸۶۲ م. باز موضوع تلگراف را با امین‌الدوله مذاکره نمودم، بالأخره امین‌الدوله با من همراه شد و در این زمینه قراردادی را که برای این مقصود تهیه کرده بودم بیرون آورده، برای ایشان خواندم و خواهش نمودم این شرایط را به فارسی صحیح درآورد که چندان توی ذهن نزنند (همان: ۷۷۶-۷۷۷).

همچنین وی میگوید: بعد به حضور شاه رفته، باز موضوع کشیدن سیم تلگراف را پیشنهاد نمودم و از منافع آن زیاد تعریف کردم و فواید مخابرات را در مواقع اشکالات سیاسی در میان نهادم و علاوه نمودم که خیلی اسباب تأسف و بدبختی است که اعلیحضرت پادشاه ایران پیشنهاد دولت انگلیس را برای سیم تلگراف قبول نکنند. [ایشان] در جواب گفت بهتر است این مقصود را با وزیر امور خارجه صحبت کنید و من فوراً به عرض شاه رساندم که با ایشان صحبت شده است و آن قرارداد را بیرون آوردم و ارائه دادم و گفتم با وزیر امور خارجه در این باب موافقت حاصل شده است. آن را تا آخر خواندم و معلوم بود که در شاه اثر کرده است و اظهار نمود بسیار خوب! بده به خودم به هیئت وزرا خواهم داد. من فوراً گفتم امیدوارم اعلیحضرت مرا عفو کنند از این مثالی که میزنم و آن این مثال معروف است که میگویند «هزار مرد هزار فکر دارند». هرگاه این پیشنهاد به هیئت وزرا برود ممکن است موافق و مخالف پیدا کند و این خود باعث تأخیر خواهد شد و مدتهاست این موضوع در جریان است و در اطراف آن هم

خصوص موضوع تلگراف است، عیناً در اینجا نقل میشود:

ریاست کل اداره تلگراف دولت فخریه انگلیس؛ در جواب مراسلات آن جناب راجع به مرمت سیم خطوط عربستان و تعویض تیرهای چوبی و چدنی آن خط زحمت میدهم، چون قرارنامه راجع به این خط که در ۲۸ جمادی الاول ۱۳۲۷ه.ق مشتمل بر ده فصل تنظیم شده میبایست به تصویب مجلس شورای ملی برسد، آن وقت بموقع اجرا گذارده شود، تاکنون بتصویب مجلس نرسیده، محض اینکه مرمت خطوط مزبوره به تأخیر نیفتد و در این زمستان و بهار آینده این کار انجام یابد نظرات خود را با اصلاحاتی که در فصول قرارنامه ۱۳۲۷ه.ق لازم میدانم پیشنهاد هیئت دولت نموده با تصویب آن محترمه موافق همین مشروحاً رسمی اجازه داده میشود که اداره تلگراف دولت فخریه انگلیس موافق فصول قرارنامه که در ذیل این ورقه مندرج است بدون فوت وقت اقدام به مرمت و امتداد سیم خط عربستان با تیرهای چدنی نماید که برای اواخر بهار این سیم کشی تمام شود، بعد از آنکه مجلس شورای ملی منعقد گردید قرارنامه سنه ۱۳۲۷ه.ق با اصلاحاتی که در فصول آن قرارنامه اینجانب با تصویب هیئت دولت بعمل آورده‌ام و در این ورقه مندرج است پیشنهاد مجلس شورای ملی خواهد شد، بجز فصل سوم که راجع به تمدید مدت سه فقره قرارنامه‌های سابقه است و حالیه تصویب میشود و در باب باقی فصول و شرایط هر قسم به تصویب مجلس شورای ملی رسید از همان قرار دولت ایران با اداره تلگراف دولت فخریه انگلیس رفتار خواهد نمود. مسلم است مادامی که مجلس شورای ملی منعقد نشده است وزارت تلگراف با اداره تلگراف انگلیسی موافق مندرجه در این ورقه به تصدیق هیئت دولت رسیده است رفتار خواهد کرد (سالنامه اداره تلگراف، ۱۲۹۹: ۹۸).

فصل اول: بمحض ترقی مخابرات تلگرافی بین برازجان و محمره (خرمشهر) و بین برازجان و دزفول چنین مقرر گردید که از تاریخ امضای این قرارنامه، تحت ریاست و نظارت رئیس کل اداره تلگراف دولت فخریه انگلیس یک رشته سیم با ستونهای خط چدنی از برازجان به اهواز و از اهواز به دزفول کشیده که به سیم خط شیراز و بوشهر وصل شده، مطالب خط عربستان بتواند به مرکز تهران و بوشهر مخابره شود.

ایران هم آنچه را که او میخواست نمیبایست تغییر میداد. بدین ترتیب ساختمان این سه خط که از نقطه بوشهر و اصفهان و کرمانشاهان بود، آغاز شد (همانجا؛ ویلسون، ۱۳۴۸: ۲۳۱).

احداث خط تلگراف خوزستان (عربستان)^۱

از این پس دولت انگلیس قراردادهای متعددی در زمینه خطوط تلگرافی با ایران بست که شماره آنها جمعاً به بیست قرارداد میرسد که برخی از آن قراردادها برای تجدید و تمدید و یا تکمیل قراردادهای سابق تدوین شده بود و بعضی هم متضمن امتیاز جدیدی بود و بموجب آنها خطوط تازه‌یی احداث میگردد (قائم‌مقامی، ۱۳۵۱: ۸۵ - ۸۶؛ جمال‌زاده، ۱۳۶۷: ۱۸۳).

در سال ۱۲۹۴ه.ق دولت به ایجاد رشته تلگرافی خوزستان مبادرت ورزید و تا اوائل ۱۲۹۵ه.ق آن را با تمام رساند؛ چنانکه روزنامه ایران ضمن اخبار عربستان و لرستان مینویسد: از امتداد سیم تلگراف بطرف دزفول و شوشتر عموم تجار و کسبه شکر گذارند (پژمان، بی تا: ۳۹۲).

مخبرالدوله در ازای این خدمت توانست حسینقلی خان سرهنگ فرزند خویش را به ریاست تلگرافخانه و اخذ درجه با حمایل سرتیپ سومی نایل سازد و خود نیز یک قطعه نشان شیر و خورشید درجه اول با حمایل سبز که مخصوص نشان مزبور بود، بدست آورد (همانجا).

قرارنامه در ۲۵ محرم ۱۳۳۱ه.ق به امضاء مستشارالدوله در خصوص سیم تلگراف خوزستان برقرار شد. این قرارنامه بشکل یک مراسله به رئیس کل اداره تلگراف دولت فخریه انگلیس نوشته شد و در آن، قرارنامه فوق که در تاریخ ۲۵ ذیحجه ۱۳۳۰ه.ق به تصویب هیئت دولت رسیده بود، متذکر گردید. این مکتوب از آنجا که مربوط به عملیات آن ایام و در

۱. در زمانهای نزدیک به ما دو اسم نامبارک در ایران معمول شد: یکی آنکه آذربیکدلی سبک خراسانی را بنام سبک ترکستانی معروف ساخت و دیگری نام خوزستان به عربستان مبدل شد و ظاهراً به مذاق پادشاه آن قاجار خوشایند بود تا بتواند فرمانروایی بر عرب و عجم را مایه تفاخر خود سازد. بدیختانه این نام بر ایالت زرخیز خوزستان اثر معنوی بخشید و آن را همانند صحرای لم‌یزرع عربستان ساخت (پژمان، بی تا: ۳۹۲).

معین خواهد نمود که مطالب تلگرافی بین‌المللی را گرفته، مخابره نماید.

فصل هفتم: دولت عالیه ایران قبول مینماید که در تلگرافخانه‌های مزبوره بدون موافقت با رؤسای تلگرافی دولت انگلیس کسی را جز رعایای ایران یا اجزاء اداره تلگرافی انگلیس مستخدم ننماید.

فصل هشتم: هرگاه تا سال ۱۹۴۵ م. دولت ایران بخواهد این خط عربستان را بطرف دیگر امتداد دهد، در صورتی که نیاز به همراهی باشد، آن همراهی را از طرف اداره تلگراف دولت انگلیس بخواهد.

فصل نهم: یک سال قبل از شروع به سیم‌کشی اداره تلگرافی، دولت انگلیس یک مأمور از وزارت پست و تلگراف خواهد خواست که تا آخر سیم‌کشی با مأمور سیم‌کشی همراه باشد و کلیه مخارجی که در این خط میشود با اطلاع آن مأمور خواهد بود.

فصل دهم: در موقع سیم‌کشی رعایت این مطلب خواهد شد که سیم جدید با تمام نقاط تلگرافی که فعلاً در این خط موجود است ممتد شود، اسباب و آلاتی که فعلاً در این خط موجود است بعد از آن که یک نقطه به نقطه دیگری وصل شد، تماماً جمع‌آوری و تحویل مأمور دولت خواهد شد. امضاء مستشارالدوله، وزیر پست و تلگراف (همان: ۹۹).

«چون خط تلگراف عربستان [خوزستان] کشیده شد، جناب مخبرالدوله، وزیر تلگراف را به اعطای یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول با حمایل سبز که مخصوص آن است مفتخر فرمودند و حسینقلی‌خان سرهنگ و رئیس تلگرافخانه به منصب سرتیب سیم و نشان حمایلی آن مباهی گردید» (صنیع‌الدوله، ۱۳۶۴: ۳/۱۹۸۳). در اواخر دوره سلطنت ناصرالدین شاه، اداره تلگراف ممالک محروسه به وزارت مخبرالدوله، وزیر علوم، دارای ۴۹۸ زیر دست او بودند. در ذرفول و شوشتر هر کدام یکنفر تلگرافچی و یک فراش و دو غلام کار میکرد (همان: ۲/۱۲۸۴).

فصل دوم: دولت انگلیس قبول مینماید که از بابت مخارج تأسیس و برقراری تلگراف خطوط مزبوره فوق از قبیل تیرهای چدنی و سیم و مقره و غیره آنچه لازم است تا مبلغ پنج هزار لیره از خود مجانی بدهد و همچنین سالی سیصد لیره از بابت مخارج نگهداری خطوط مزبوره از شروع به این کار تا سال ۱۹۴۵ م. بدهد. بعد از اتمام کار که تعیین کلیه مخارج این سیم‌کشی شد، پس از وضع پنج هزار لیره و سالی سیصد لیره که در همین فصل تا سنه ۱۹۴۵ م. بر عهده دولت انگلیس است و از بابت بقیه مخارج این سیم‌کشی محسوب خواهد شد چنانچه باز دولت انگلیس موافق تشخیص وزارت تلگراف طلبکار باشد بر عهده دولت علیه ایران خواهد بود که تا سال ۱۹۴۵ م. عاید دارد.

فصل سوم: در ازاء مخارج مذکور در فصل دوم که دولت انگلیس مجاناً برای احداث و نگهداری خطوط مزبوره مینماید، دولت ایران قبول مینماید که قرارنامه‌های ذیل را تا اول ژانویه سال ۱۹۴۵ م. برقرار و لازم‌الاجرا بدانند.

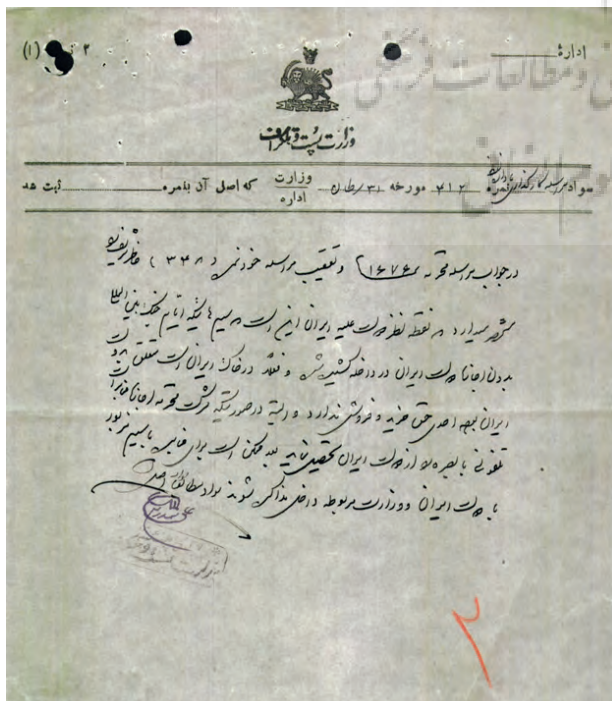
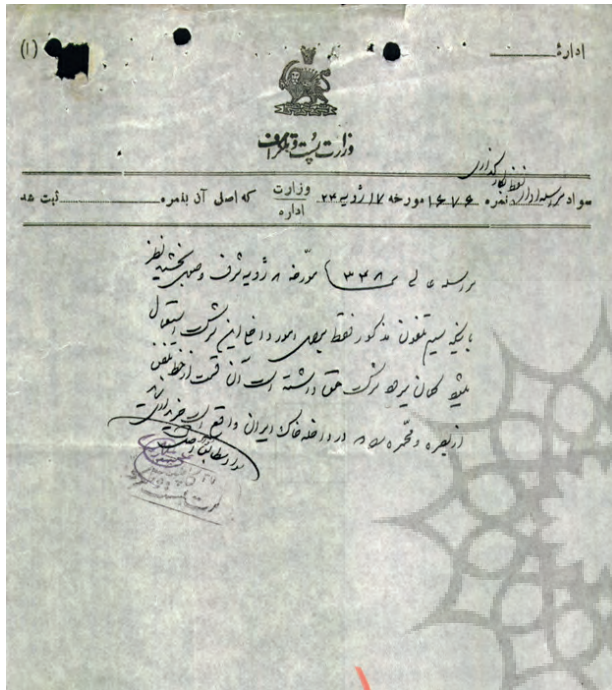
- قرارنامه تلگرافی مورخه ۲ آوریل ۱۸۶۸ م.
- قرارنامه تلگرافی مورخه ۲ دسامبر ۱۸۷۲ م.
- قرارنامه مورخه ۱۶ ماه اوت ۱۹۰۲ م.

فصل چهارم: مواجب تلگرافی و سایر عملجات از قبیل غلام و فراش و سیم‌کش و دستگاه و قوه و اجاره تلگرافخانه بعهده اداره تلگراف دولت علیه است.

فصل پنجم: برای اینکه همیشه خط مزبور برقرار باشد رئیس اداره تلگراف دولت فخریه انگلیس با تصویب وزارت تلگراف یک نفر سیم‌کش بجهت رسیدگی به امورات حفظ خط تا سال ۱۹۴۵ م. معین مینماید و غلامان مستحفظ این خط که ایرانی هستند تحت حکم این سیم‌کش خواهند بود، حقوق و مخارج این سیم‌کشی را قبل از شروع به کار، وزارت تلگراف با موافقت رئیس اداره تلگراف دولت فخریه انگلیس معین خواهد نمود.

فصل ششم: وزارت تلگراف در نقاط مرکزی این خط همیشه اوقات یک نفر تلگرافچی ایرانی که زبان خارجی بداند،

باید بلاعوض به دولت ایران واگذار شود. بنابراین پیشنهاد کردند که وزارت پست و تلگراف سیم مذکور را تصرف نموده و از محل دوهزار و پانصد تومان اعتبار اضافی ۵۱۳۰۵ ش. که به تصویب مجلس شورای ملی رسیده بود، طلب کمپانی نفت جنوب را بابت اشیاء خریداری شده و مصارف تعمیرات آن بپردازد و در آبادان تلگرافخانه دایر نماید(همانجا).

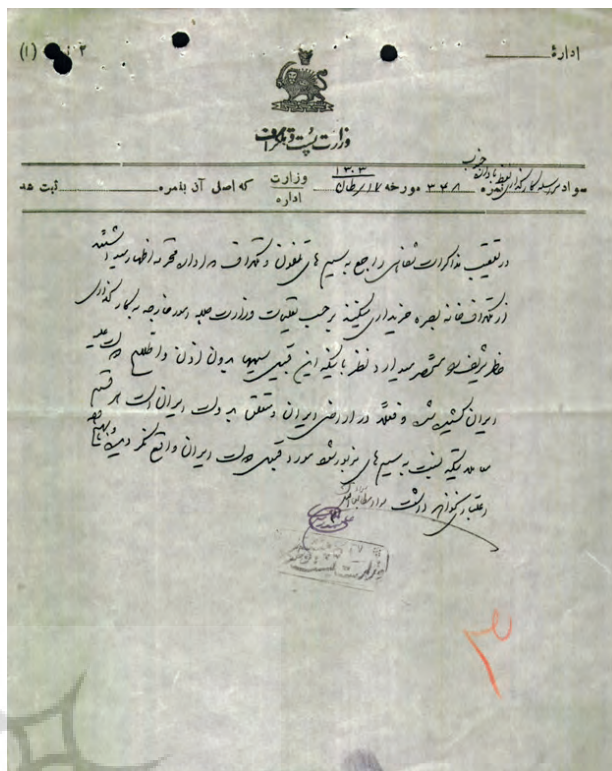


جنگ جهانی اول و خط تلگرافی آبادان به محمره (خرمشهر) در زمان جنگ بین‌المللی اول، نظامیان انگلیس پس از ورود به خوزستان، یک رشته سیم بدون اجازه دولت ایران از «آبادان» به «محمره» (خرمشهر) کشیدند و به کنسولگری انگلیس برده و در مدت جنگ و پس از آن بدان وسیله مطالب تلگرافی خود را با «بصره» مبادله مینمودند. بعد از مدتی کمپانی نفت آن را خریده و به مخابرات خود تخصیص داده بود. وزارت «پست و فواید عامه» به وزارت خارجه اطلاع داده و متذکر گردید که چون این سیم بدون اجازه دولت ایران کشیده شده، متعلق به دولت ایران بوده و کسی حق خرید و فروش آن را ندارد و باید آن وزارتخانه جلوگیری نماید. کمپانی نفت که در صدد جمع کردن سیم برآمده بود، کارگزار کنسولگری در محمره (خرمشهر) از این امر جلوگیری کرد. پس در نتیجه اقدامات کارگزار کنسولگری، کمپانی نفت از برچیدن سیم تلگرافی صرفنظر کرد. پس از اقدامات و مکاتبات وزارت پست و فواید عامه و وزارتخانه خارجه، کارگزار کنسولگری محمره (خرمشهر) شرحی مبنی بر تحویل نمودن سیم مزبور به کمپانی نوشت. وزارتخانه خارجه گزارش داد که در نتیجه اقدامات این وزارتخانه، سیم تلگرافی آبادان را تحویل اداره تلگراف ایران نمودند. چون سیم مزبور نیاز به تعمیرات داشته، رئیس تلگرافخانه خوزستان مقداری تیر، مقره و سیم بطور نسبی از کمپانی خرید (یزدانی، ۱۳۷۸: ۱۷۴-۱۷۶).

در زمان تعمیر سیم متصرفی و تأسیس تلگرافخانه در آبادان، در ۲۲ دیماه ۵۱۳۰۳ ش. رئیس اداره تلگراف بین‌النهرین مدعی شد که سیم آبادان متعلق به حکومت بین‌النهرین است و در صورتی که اداره تلگراف ایران مایل به تصرف آن باشد باید دو هزار و کسری تومان بابت قیمت آن تأدیه نماید. نظر به ادعای مزبور، وزارت پست و فواید عامه از تصویب مخارج لازمه برای تأسیس تلگرافخانه در آبادان و پرداخت مصارف تعمیر سیم خودداری نمود. بنابر مراتب فوق، وزارت پست و تلگراف معتقد بود که چون سیم «محمره» (خرمشهر) به «آبادان» را نظامیان دولت انگلیس بدون اجازه دولت ایران در خاک این کشور کشیدند و در زمان جنگ بین‌المللی و بعد از جنگ استفاده کامل از آن نمودند و از بابت عایدات آن دیناری به دولت ایران ندادند، مطابق قواعد کلی

پس از تلاشهای وزارت امور خارجه و وزارت پست و تلگراف و تلفن، کنسول انگلیس شفاهاً موافقت نمود که تلگرافات رمز استانداری، فرمانده تیپ شهربانی و امینه خوزستان پذیرفته شود (همان: ۱۹۷-۱۹۸).

از مطالب فوق چنین برمی آید که برای مدتهای مدیدی استفاده از تلگرافخانههای خوزستان فقط به انگلیسها و مراکز وابسته به آنها اختصاص داشت و دولت ایران تنها حق محدودی جهت استفاده داشته است. بنابراین میتوان پی برد که مردم عادی حق استفاده از تلگرافخانهها جهت ارسال تلگراف را نداشتند و اگر هم این حق به آنها داده شده بود، بعلت اینکه تلگراف فقط باید به زبان انگلیسی فرستاده و دریافت میشد، استفاده از تلگرافخانه برای مردمی که اکثر بیسواد بودند مشکل بود.



تلگرافخانههای خوزستان: حق استفاده و نحوه ارسال تلگراف
طبق گزارش اداره پست و تلگراف و تلفن اهواز در ۱۳۲۰/۶/۱۱ کنسولگری انگلیس در اهواز و خرمشهر اجازه داد که فقط از طرفین تلگرافاتی که به زبان انگلیسی نوشته شده باشد مخابره گردد و تلگرافات فارسی پذیرفته نشود. بنابراین از وزارت پست و تلگراف به رئیس پست اهواز تلگراف شد با تلگرافچیان آنها مذاکره نماید که تلگرافات فارسی را هم قبول نمایند. به وزارت خارجه هم اطلاع داده شد که اقدام لازم را بعمل آورند. بعلاوه، مأموران سانسور انگلیس در اهواز جز تلگرافات رمز بانک شاهنشاهی، کنسول انگلیس و شرکت نفت انگلیس و ایران، تلگرافات رمز بانک ملی و سایر بنگاههای بازرگانی را نیز نمیپذیرفتند (یزدانی، ۱۳۷۸: ۱۹۶).

با اینکه طبق گزارش شماره ۶۱/۷۵۰۶ به تاریخ ۹ مهرماه ۱۳۲۰ اداره پست و تلگراف و تلفن اهواز به وزارت پست و تلگراف و تلفن، مأموران سانسور انگلیس از دفاتر تلگرافی اهواز، خرمشهر و آبادان برداشته شدند ولی پیرو نامه شماره ۶۱/۷۵۸۵ مورخ ۱۷ مهر ماه ۱۳۲۰ اظهار داشته شده که هنوز هم برحسب دستور کنسولگری انگلیس در اهواز، خرمشهر و آبادان تلگرافات رمز دولتی و غیر از دولتی پذیرفته نمیشود.

فواید و تأثیرات کشیدن خط تلگراف از دیدگاه لرد کرزن

لرد کرزن در کتاب معرف خود - ایران و قضیه ایران - فوایدی از کشیده شدن سیم تلگراف توسط انگلیسیها برای ایران برشمرده است که از جمله برخی از آنها عبارتند از:

۱. احداث سیم تلگراف در ایران سبب شد که مملکت ایران را با دول اروپایی مرتبط کند و ملت ایران را یکی از اعضاء ملل عالم قرار داد و سبب شد که اروپا نسبت به این مملکت دور افتاده که تا آن زمان خیلی کم از آن شنیده میشد چیزهای بسیاری بداند و بشنود. قبل از ایجاد سیم تلگراف در ایران، اروپا فقط اطلاعی که از ایران داشت این بود که ملت فعلی ایران اخلاف از کار افتاده و فاسدشده ملت سلحشور ادوار درخشان و با عظمت کوروش و داریوش میباشد، ولی امروزه این چنین نیست (محمود، بی تا: ۱/۷۹۳).

۲. اگر این سیم برقی نبود ملت ایران نیز مثل سابق در همان خواب خوش شرقی تا امروز آرمیده بود و در حال سستی و خمودگی و بدون سروصدا امرار حیات نموده و رو به زوال میرفتند و یا اینکه مانند سایر ممالک شرقی از قبیل ممالک پادشاهی و خانی، صدای شیپور سپاهیان امپراتوری مسکو که از میان گوش آنها به صدا درمی آمد، آنها را از

درباره این دعاوی باید گفت اگرچه در برخی بیانات لرد کرزن مبالغه و غلوی آشکار دیده میشود، ولی نباید نادیده گرفت که کشیدن خط تلگراف در ایران منافع مادی و معنوی نیز برای ایران و ایرانیان داشته است؛ از جمله اینکه بموجب بعضی از این قراردادها، سالیانه مبلغی بعنوان حق العبور از خاک ایران، به دولت ایران پرداخت میشد و نیز عوایدی بابت حق مکالمات به این دولت میرسید.

از نظر منافع معنوی نیز ایران که تا آن روز با دنیای خارج از خود ارتباط سریع و نزدیک نداشت، بدینوسیله با اروپا و آمریکا مرتبط شد و از حالت انزوا بیرون آمد و افکار دنیای پیشرفته از همین طریق به داخل ایران راه یافت و این وضع در بیداری مردم ایران تأثیر بسزایی داشت. بعلاوه، همانطور که لرد کرزن میگوید با توسعه خطوط تلگرافی در داخل ایران که موجب میشد اخبار و وقایع محلی به پایتخت گزارش شود، دولت مرکزی توانست احکام و دستورات خود را هرچه زودتر به حکمرانان و مأموران خود در ولایات ابلاغ نماید و در نتیجه نظارت و قدرت حکومت مرکزی در نواحی مختلف کشور بیشتر تثبیت گردید به استقرار امنیت و آرامش کشور کمک شایانی شد.

اما باید گفت حصول این منافع که دولت و مردم ایران از آن بهرمنند شدند، آنگونه هم که لرد کرزن بازگو میکند نبوده است، بلکه دولت انگلستان در کشیدن سیم تلگراف جز حفظ منافع و مصالح امپراتوری انگلستان هدفی نداشته و هرگز به فکر منافع ایران نبوده است. زیرا اگر سرزمین ایران بر سر راه هندوستان واقع نشده بود، دولت انگلیس هیچگاه به این اندیشه نمی افتاد. خوشبختانه لرد کرزن خود نیز در جای دیگر کتاب خویش به این نکته اشاره کرده و نوشته است:

کشیدن مملکت ایران در دایره رشته‌های تلگرافی که با ممالک اروپا مربوط بشود هیچ جهت مخصوصی نداشته و هرگز چنین نیت و یا اراده مستقیمی هم وجود نداشت که برای ایران یک منبع عایدات سرشار ایجاد شود. هرگاه قلمرو شهریار ایران در سر راه مملکت وسیع هندوستان واقع نشده بود که دولت انگلیس بدان محتاج باشد، این مملکت میبایست سالهای متمادی در انتظار داشتن تلگرافی بماند (همان، ۲/۷۴۳).

خواب خوش شرقی بیدار مینمود و در این هنگام میبایست ملل اروپا هم دعوت شده در تشریفات تشییع جنازه شرکت کنند. در هر حال در تمام این قسمتها آنچه از قبیل اصلاحات و تجدیدطلبی که در این ۲۵ سال گذشته در ایران پیدا شده است، آنها تماماً مربوط به احداث سیم تلگراف در ایران بوده است (همان: ۱/۷۹۴).

۳. بواسطه ایجاد سیم تلگراف در ایران طولی نکشید که رشته‌های فرعی تلگراف نیز به اطراف مملکت مثل محمره (خرمشهر)، دزفول، بلوچستان، برازجان... کشیده شد و اغلب نواحی دوردست ایران با مرکز مرتبط شدند و مرکز حکمرانی میتوانست بسرعت احکام و اوامر خود را به اطراف و نواحی کشور وسیع ایران بفرستد. سابقاً طی مدت زیادی، اخبار و مطالب ولایات به تهران میرسید ولی بعد از احداث سیم تلگراف، شاه از نواحی دور دست مملکت خود فوری خبردار شده و دیگر یاغیها مجال و فرصت نداشتند علم یاغی‌گری را برپا کنند؛ زیرا از مرکز برای سرکوبی آنها به فوریت استمداد کافی فرستاده میشد.

۴. انگلیسیها در تمام ایران برای سرپرستی تلگرافخانه‌ها پراکنده شده و با تمام طبقات مردم تماس یافتند و با آنها مدام در آمیزش بودند؛ از حاکم محل گرفته تا بزرگ و دهاتی (کرزن، ۱۳۵۰: ۲/۶۸۴).

۵. از منفعی که از خط تلگراف و از حضور انگلیسیها عاید ایران شده، آن اطلاعات محلی است که صاحب‌منصبان انگلیسی بدست آوردند و دولت ایران نیز از آن استفاده نمود و آن این است که اختلافات سرحدی که بین ایران و سایرین وجود داشت بواسطه اطلاعات محلی صاحب‌منصبان انگلیسی بنحو احسن رفع شد؛ مانند اطلاعاتی که جنرال گلداسمید در نواحی و سواحل مکران در هنگام سیم‌کشی از کراچی به جاسک بدست آورده بود و سبب شد بین دولت ایران و حکومت کلات در سال ۱۸۷۱ م برای رفع اختلافات طرفین حکم واقع شود و یک سرحد تازه برای دو مملکت پیشنهاد کند (همان، ۲/۵۷۸).

لرد کرزن، کارمندان انگلیسی تلگرافخانه‌ها بمنزله مشیر و مشاور و داور در شهرها و تلگرافخانه به امور مردم رسیدگی نموده و در کارهای آنها دخالت میکردند و تلگرافخانه‌ها بصورت جای امن و امان درآمد بود (کرزن، ۱۳۵۰: ۲/۶۰۳).

علت پیدایش رسم بست‌نشینی در ایران را میتوان در دو کلمه خلاصه کرد: استبداد سلطنتی و کاپیتولاسیون. اما خود کاپیتولاسیون از روزگاری در ایران به اجرا گذاشته شد که عباس میرزا، ولیعهد فتحعلیشاه، پس از آخرین شکستش از روسیه در جنگهای قفقازیه، بناچار تن به قبول عهدنامه ترکمنچای داد و مواد و مقررات آن را پذیرفت. در کنار این حقیقت دردناک که عهدنامه ترکمنچای و متعاقب آن عهدنامه پاریس اتباع روسیه و انگلستان را عملاً از تیررس مقامات قضایی ایران خارج میکرد و همینطور مراکز وابسته به این قدرتها را نیز از تیررس مقامات قضایی ایران مصون میداشت، این مراکز را بصورت یک حریم امن درمی‌آورد که هرکس به آنها پناه میبرد از امنیت برخوردار بود؛ مانند پناه‌بردن به سفارتخانه‌ها، کنسولگریها و تلگرافخانه‌ها.

حقیقتی دردناکتر هم وجود داشت و آن بی‌دفاعی اتباع ایرانی در مقابل دستگاه زور و ستم قاجاران بود. در آن غوغای ظلم و ناامنی فقط دو مرجع زمینی باقی می‌ماند که شاه و رجال دولت از آن میترسیدند و این دو مرجع قوی شوکت سفرای روس و انگلیس و مراکز وابسته به آنها بود، که ایران را در دو جنگ تاریخی قفقاز و هرات شکست داده بودند. در زمانهای پیشین، اماکن متبرکه و خانه‌های پیشوایان دین، محل تحصن و بست‌نشینی ستمدیدگان بود، ولی در طی زمان، بخصوص در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه، احترام اماکن مذهبی نیز از بین رفتند و بحدی رسید که مأموران شداد دولتی سید جمال را با قساوت و بیرحمی از صحن حضرت عبدالعظیم بیرون کشیدند و تحت‌الحفظ با آن حال بیمار و نزار به بصره و عراق روان کردند (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۶۹: ۹-۱۰). سفارتخانه‌ها، کنسولگری و تلگرافخانه‌ها و مراکز وابسته به این دو دولت از اینگونه تعدیات مأموران دولتی در امان بود و کسانی که در این مراکز بست مینشستند، از اجحاف مأموران دولتی و مزاحمت حکومت وقت در امان بودند.

این خود حقیقتی بود که از قلم خود لرد کرزن آشکار شد. در تألیفات سایر نویسندگان نیز به نکاتی برمخوریم که حاکی از اهمیت خطوط تلگراف در سیاست انگلستان و اثر وجودی آن در مصالح آن امپراتوری است؛ از جمله اوژن اوبن فرانسوی در سفرنامه خود بنام *ایران/امروز که در سال ۱۹۰۸ م.* بچاپ رسید، مینویسد: «در مشی سیاسی انگلیسیها، خطوط تلگرافی ایران همان نقشی را بازی میکند که راههای روسیه در سیاست آنها» (قائم‌مقامی، ۱۳۵۱: ۹۰).

تلگرافخانه‌ها و مأموران انگلیسی

دوش به دوش فعالیتهای شرکت تلگراف، اهمیت آن نیز نمایان میشد و تلگرافخانه انگاره‌یی از اماکن مقدس و هاله‌یی از بهت و تعجب در ذهن و افکار مردم پدید می‌آورد. مردمی که همیشه در «خواب خوش شرقی» و در رؤیای افسانه‌هایی چون «هزار و یک شب» و «جام جم» و «قالیچه سلیمان»... بسر میبردند، اکنون بچشم خود میدیدند که پاسخ سفارشات خود را نه در چندین ماه و روز که در عرض ساعاتی دریافت میدارند!

اهمیت تلگرافخانه‌ها بیشتر از این نظر بود که انگلیسیها با کشیدن خطوط تلگرافی، در سراسر ایران راه یافتند و مأموران سیاسی آنها در لباس و ظاهر مأموران تلگرافی مرتباً در طول خطوط در رفت و آمد بودند و از کلیه وقایع و رویدادهای داخلی ایران باخبر میشدند و از طرفی بر اثر نزدیکی بسیار با مردم، به وسایل گوناگون در اجتماعات، خانواده‌ها و اشخاص و نیز در افکار ایشان نفوذ میکردند؛ چنانکه یکی از ساده‌ترین این روشها معالجه بیماران بود (محمود، بی‌تا: ۱/۷۸۹) و محمود محمود در کتاب خود - *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم* - بنقل از یکی از مأموران انگلیسی بنام «سوج لندور» که در سال ۱۹۰۰ م. به ایران آمده بود، مینویسد: «چند نخود گنه گنه یا چند مثقال روغن کرچک ممکن است وسیله باشد برای بدست آوردن اطلاعاتی که برای دولت انگلیس، هرگاه آن اطلاعات خوب بکار برده شود، میلیونها لیره ارزش خواهد داشت» (همانجا).

بدینگونه، رفته رفته نفوذ انگلیسیها در افکار مردم ساده‌دل و مداخلات آنها در امور داخلی ایران بجایی رسید که بنا بگفته

فواید احداث تلگرافخانه در خوزستان

همانطور که لرد کزرن در *ایران و قضیه ایران* فوایدی را از احداث خط تلگراف در ایران بیان کرده و با دقت در اطلاعات جسته و گریخته‌یی که در بعضی منابع در مورد تلگرافخانه‌های ایالت و ولایات ایران بدست می‌آید، میتوان پی‌برد که گفته‌های او چندان هم دور از واقع نبوده است. گاهی مسافران و کاروانهایی که صحراها و دشتهای خالی از سکنه و امکانات و ناامن ایران را طی میکردند، برای استراحت نیاز به مکانی امن داشتند، بنابراین برای استراحت به نزدیک و در صورت امکان به مراکزی که قدرتهای خارجی - که خود دولت در درون دولت ایران بوده و از قدرت زیادی برخوردار و از تعرض باغبان مصون بودند - پناه میبردند. چنانکه حاج عبدالغفار نجم‌الملک که در آغاز سال ۱۲۹۹ بدستور ناصرالدین شاه برای بازدید از سد اهواز و برآورد میزان هزینه و کیفیت بنای آن و دیگر مسائل مربوط به کارهای مهندسی به خوزستان رفته بود، مینویسد: در منزل سوم روز چهار ربیع اول به مخبرآباد نزدیک دزفول رسیدیم. مخبرآباد دارای تلگرافخانه‌یی بود که «سنلر صاحب» ساخته بود (نجم‌الملک، ۱۳۴۱: ۳۹). همچنین وی در همین کتاب مینویسد: قبل از رسیدن به این مکان، به بیلاق یکی از خوانین لر در خرم آباد رفته ولی از ترس تمام طول شب را بیدار بوده‌اند؛ زیرا یکی از افراد خان به آنها اطلاع داده بود که خان با تدارک توطئه قصد غارت وسایل آنها را دارد (همان: ۳۷). باتوجه به ناامنی حاکم در طول مسیر حرکت حاج عبدالغفار نجم‌الملک، این احتمال وجود دارد که برای استراحت کوتاه و در امان بودن از خطر راهزنان به تلگرافخانه‌هایی که در بین راه برمیخورند، می‌رفتند.

بعد از احداث تلگراف، اخبار و ولایات و نواحی مختلف کشور خیلی زود به پایتخت میرسید و دیگر یاغیها مجال و فرصت نداشتند علم یاغیگری برپا کنند، چون از مرکز برای سرکوبی آنها سریع اقدام میشد. بنابراین میتوان یکی از علل موفقیت رضا شاه در سرکوبی شیخ خزعل، شیخ خودسر خوزستان، را وجود تلگراف (کسروی، ۱۳۸۱: ۲۵۵-۲۵۶) و بعد از کسب رضایت نیروهای انگلیسی دانست (جلالی، ۱۳۷۹: ۷۷). زیرا اگر دولت انگلیس به این سرکوبی رضایت نداشت، امکان استفاده نیروهای رضاشاه هم در حین سرکوبی

شیخ خزعل از تلگرافخانه‌ها خوزستان که همچنان تا سال ۱۳۲۰ ه.ش در دست نیروهای انگلیسی بود، وجود نداشت.

وجود تلگرافخانه‌ها به مردم محل امکان میداد که نارضایتی خود را از مأموران دولتی و خارجی به پایتخت گزارش دهند؛ چنانکه در سال ۱۹۰۷ م. یک انگلیسی بنام فیلیپس با یک زن ایرانی در رامز^۱ دستگیر و بازداشت شد ولی دو روز بعد کنسول انگلیس او را آزاد کرد و اهالی شهر به تلگرافخانه رفته و شکایات خود را به تهران ارسال داشتند (بشری، ۱۳۶۶: ۱۴۱).

احداث و نوآوری هر تکنولوژیی در هر جامعه، با سود و منفعت طبقات بالای آن جامعه رابطه‌یی نزدیک دارد و تا جایی که با منافع آنها همخوانی داشته باشد بیش از طبقات دیگر از آن استقبال مینمایند؛ چنانکه روزنامه ایران در سال ۱۲۹۴ ضمن اخبار عربستان و لرستان مینویسد: از امتداد سیم تلگراف بطرف دزفول و شوشتر، عموم تجار و کسبه شکر گذارند (پژمان، بی‌تا: ۳۹۲). زیرا تجار و کسبه میتوانستند از طریق خط تلگراف از زمان حرکت کاروانهای تجاری، وجود کالا در شهرهای دیگر ... آگاهی یابند و از این طریق در امر تجارت و بازرگانی تسهیل ایجاد میشد.

نتیجه‌گیری

امپراتوری بریتانیا که از اواخر قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم میلادی نفوذ خود را در هندوستان آغاز کرده بود، مقارن سلسله قاجاریه کنترل کامل هندوستان را بدست گرفته و برای حفظ این کنترل، اقدام به نفوذ سیاسی و اقتصادی در کشورهای همسایه این مستعمره پرارزش - مثل ایران - نمود. از مهمترین جلوه‌های این نفوذ، گرفتن امتیازاتی همچون امتیاز خط تلگراف بود. دولت بریتانیا پس از وقوع حوادث سه‌گانه جنگ روس و عثمانی، جنگ ایران و هرات و شورش هندوستان و گرفتاریهای که در طی این حوادث پیدا کرد، بخوبی دریافت که ادامه فرمانروایی بر هندوستان و بهره‌مندی از منابع سرشار آن در صورتی میسر است که آن دولت رابطه مستمر و مستقیم با مستعمره گوهرزای خود داشته باشد و

۱. «Ramez» رامهرمز کنونی در خوزستان

شین رابطه‌ی جز از طریق تلگراف برقی میسر نمیشد. بنابراین دولت انگلیس به فکر افتاد با خطوط تلگرافی که چندسالی از اختراع آن میگذشت و در برخی از کشورهای اروپایی و آسیایی نیز رواج داشت، جزیرهٔ بریتانیا را به هندوستان مرتبط سازد. بنابراین پس از بررسی مسیرهای چند، مسیر انتقال از ایران بهترین مسیر تشخیص داده شد و در نتیجه، کارگزاران آن دولت اقدام به گرفتن امتیاز سیم‌کشی تلگراف در بسیاری از نقاط ایران همچون خوزستان کردند که از این طریق ارتباط بین لندن و هندوستان تسهیل گردد. از احداث سیم تلگراف توسط دولت انگلیس در ایران هم این دولت و هم دولت و جامعه ایران به منافعی دست یافتند؛ از جمله این فواید برای دولت ایران آن بود که نواحی دوردست ایران با مرکز مرتبط شدند و مرکز حکمرانی میتوانست بسرعت احکام و اوامر خود را به اطراف و نواحی مختلف ارسال نماید و دیگر یاغیها مجال و فرصت نداشتند علم یاغیگری را بر پا کنند، چون از مرکز برای سرکوبی آنها سریع اقدام میشد. همچنین مردم بی‌پناه ایران که مورد ظلم حکام بودند، در مواقع ضروری برای در امان ماندن از بیداد حاکم بر جامعه و مصون ماندن جان خود به این تلگرافخانه‌ها که مراکز وابسته به قدرت‌های خارجی بودند، پناه میبردند و مهمتر از همه اینکه وجود تلگراف میتوانست امرتجارت و بازرگانی را در ایران تسهیل نماید و مردم نیز میتوانستند نارضایتی و شکایات خود را از حکام محلی و مأمورین بیگانه در ولایات به مرکز گزارش دهند.

منابع

- براون، ادوارد؛ *تاریخ ادبیات ایران*، ترجمه و تحشیه و تعلیق علی پاشا صالح، تهران: انتشارات امیرکبیر، جلد چهارم، ۲۵۳۶.

- بشری، احمد؛ *کتاب نارنجی (اسناد وزارت خارجه روسیه تزاری دربارهٔ وقایع مشروطیت ایران)*، ترجمهٔ حسین قاسمیان، تهران: نشر پرواز، ۱۳۶۶.

- ترنزیو، پیو کارلو؛ *رقابت روس و انگلیس در ایران و افغانستان*، ترجمهٔ عباس آذرین، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول، ۱۳۵۹.

- پژمان، خ.؛ *تاریخ پست و تلگراف و تلفن*، بی‌جا: چاپخانه و کتابفروشی علی اکبر علمی، بی‌تا.

- جلالی، نادره؛ *سیاست بریتانیا در خلیج فارس (بررسی غائله*

شیخ خزعل)، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹.

- جمال‌زاده، محمد علی؛ *گنج شایگان (اوضاع اقتصادی ایران)*، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۶۷.

- ذوقی، ایرج؛ *مسائل سیاسی - اقتصادی نفت ایران*، تهران: انتشارات پاژنگ، ۱۳۷۰.

- سایکس، سر پرسى مولزورث؛ *تاریخ ایران*، ترجمهٔ محمدتقی فخرداعی گیلانی، تهران: نشر افسون، جلد دوم، ۱۳۸۰.

- *سالنامهٔ اداره تلگراف*، تهران: بی‌جا، ۱۲۹۹.

- شیخ الاسلامی، جواد؛ *علل افزایش نفوذ روس و انگلیس در ایران عصر قاجار*، تهران: انتشارات کیهان، چاپ اول، ۱۳۶۹.

- صنیع‌الدوله، محمد حسن‌خان؛ *تاریخ منتظم ناصری*، تصحیح محمداسماعیل رضوی، تهران: دنیای کتاب، جلد دوم و سوم، چاپ اول، ۱۳۶۴.

- _____؛ *مرات‌البلدان*، تحقیق عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.

- کرزن، جرج. ن. لرد؛ *ایران و قضیه ایران*، ترجمهٔ ع. وحید مازندرانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، جلد دوم، ۱۳۵۰.

- کسروی تبریزی، احمد؛ *تاریخ پانصدساله خوزستان*، تهران: دنیای کتاب، چاپ دوم، ۱۳۸۱.

- محمود، محمود؛ *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم*، تهران: انتشارات اقبال، چاپ چهارم، جلد اول و دوم، بی‌تا.

- نجم‌الملک، حاج عبدالغفار؛ *سفرنامهٔ نجم‌الملک به خوزستان*، تحقیق احمد کتابی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۴۱.

- ویلسون، سر آرنولد؛ *خلیج فارس*، ترجمهٔ محمد سعیدی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول، ۱۳۴۸.

- یزدانی، مرضیه؛ *اسناد پست و تلگراف و تلفن در دورهٔ رضاشاه*، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد، چاپ اول، ۱۳۷۸.

- یغمایی، اقبال؛ *خلیج فارس*، بی‌جا: انتشارات فرهنگ و هنر، ۱۳۵۲.

مقاله

- قائم‌مقامی، جهانگیر؛ «سابقهٔ تلگراف در ایران (بخشی از رقابت انگلیس و روس)»، *مجلهٔ بررسیهای تاریخی*، شمارهٔ ۳۸، ۱۳۵۱.

شین رابطه‌ی جز از طریق تلگراف برقی میسر نمیشد. بنابراین دولت انگلیس به فکر افتاد با خطوط تلگرافی که چندسالی از اختراع آن میگذشت و در برخی از کشورهای اروپایی و آسیایی نیز رواج داشت، جزیرهٔ بریتانیا را به هندوستان مرتبط سازد. بنابراین پس از بررسی مسیرهای چند، مسیر انتقال از ایران بهترین مسیر تشخیص داده شد و در نتیجه، کارگزاران آن دولت اقدام به گرفتن امتیاز سیم‌کشی تلگراف در بسیاری از نقاط ایران همچون خوزستان کردند که از این طریق ارتباط بین لندن و هندوستان تسهیل گردد. از احداث سیم تلگراف توسط دولت انگلیس در ایران هم این دولت و هم دولت و جامعه ایران به منافعی دست یافتند؛ از جمله این فواید برای دولت ایران آن بود که نواحی دوردست ایران با مرکز مرتبط شدند و مرکز حکمرانی میتوانست بسرعت احکام و اوامر خود را به اطراف و نواحی مختلف ارسال نماید و دیگر یاغیها مجال و فرصت نداشتند علم یاغیگری را بر پا کنند، چون از مرکز برای سرکوبی آنها سریع اقدام میشد. همچنین مردم بی‌پناه ایران که مورد ظلم حکام بودند، در مواقع ضروری برای در امان ماندن از بیداد حاکم بر جامعه و مصون ماندن جان خود به این تلگرافخانه‌ها که مراکز وابسته به قدرت‌های خارجی بودند، پناه میبردند و مهمتر از همه اینکه وجود تلگراف میتوانست امرتجارت و بازرگانی را در ایران تسهیل نماید و مردم نیز میتوانستند نارضایتی و شکایات خود را از حکام محلی و مأمورین بیگانه در ولایات به مرکز گزارش دهند.

منابع

- براون، ادوارد؛ *تاریخ ادبیات ایران*، ترجمه و تحشیه و تعلیق علی پاشا صالح، تهران: انتشارات امیرکبیر، جلد چهارم، ۲۵۳۶.

- بشری، احمد؛ *کتاب نارنجی (اسناد وزارت خارجه روسیه تزاری دربارهٔ وقایع مشروطیت ایران)*، ترجمهٔ حسین قاسمیان، تهران: نشر پرواز، ۱۳۶۶.

- ترنزیو، پیو کارلو؛ *رقابت روس و انگلیس در ایران و افغانستان*، ترجمهٔ عباس آذرین، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول، ۱۳۵۹.

- پژمان، خ.؛ *تاریخ پست و تلگراف و تلفن*، بی‌جا: چاپخانه و کتابفروشی علی اکبر علمی، بی‌تا.

- جلالی، نادره؛ *سیاست بریتانیا در خلیج فارس (بررسی غائله*